

آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت مخاطب‌شناسی و زمان خطاب

علی اصغر آخوندی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۱۶ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۲/۹)

چکیده

درباره آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت دو دیدگاه وجود دارد:
الف: این آیات در بین آیات مربوط به قیامت معترضه و مخاطب آنها پیامبر اسلام(ص)
و زمان خطاب این دنیا و هنگام نزول وحی قرآنی است.
ب: این آیات در راستای دیگر آیات سوره و مخاطب آن انسان کافر و زمان خطاب روز
قیامت و هنگام خواندن نامه اعمال است.
در این مقاله با نگاه تدبیرمحورانه ابتدا دیدگاه دوم بررسی شده و با توجه به آیات نامه
اعمال و آگاهی انسان از آنها و روایات و همچنین سیاق سوره و سیاق کلی آیات قیامت
و مراحل و حوادث آن پذیرش این دیدگاه با مشکل جدی روبرو گشته است.
و اما با مطالعه دیدگاه اول به نظر می‌رسد از اعتبار بیشتری برخوردار بوده و سیاق
آیات و روایات نیز آن را بیشتر تقویت می‌کند.

کلید واژه‌ها: قیامت، نامه اعمال، نزول وحی، قرآن، قرائت، تعجیل.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، پردیس قم: ali15as51@yahoo.com

۱- مقدمه

سوره قیامت که سوره‌ای مکی است به ارائه تصویری از قیامت و حوادث و وقایع و حالات انسانها در آن پرداخته است. در بین آیات ۴۰ گانه این سوره تنها ۴ آیه (۱۹-۱۶) معرکه آراء مفسران گشته است به گونه‌ای که دو نظر عمده درباره آنها ارائه شده که عبارتند از:

۱- این آیات خطاب به پیامبر اسلام(ص) و زمان آن نیز هنگام نزول وحی قرآنی است.

۲- این آیات خطاب به انسان کافر در روز قیامت به هنگام خواندن پرونده عملش است.

مشهور مفسران نظر و قول اول را پذیرفته و براساس آن آیات را تفسیر کرده‌اند و عده‌ای نیز به قول دوم گرایش یافته‌اند.

۲- پیشینه بحث

مفسران از صدر اسلام تاکنون در تفاسیر خود قول اول را آورده و به آن گرایش بیشتری نشان داده‌اند و حتی از ابن عباس و سپس سعید بن جبیر، شعبی، ضحاک، قتاده، حسن بصری و مجاهد برای آن روایت نقل کرده‌اند.

اما قول دوم را برخی به عنوان یک احتمال ذکر کرده و بدون اینکه آن را مورد نقد و بررسی قرار دهند فروهسته‌اند. (نک: نجار زادگان، ۴۷)

براساس آنچه مفسران بیان کرده‌اند به نظر می‌رسد اولین کسی که قول دوم را به عنوان یک احتمال مطرح کرد شخصی به نام ابوبکر قفال در قرن چهارم هجری است. سپس دیدگاه ایشان در کتاب‌های تفسیری فخر رازی، محمد بن فضل البلخی، شیخ طوسی و شیخ طبرسی و دیگر مفسران راه یافته است.

براساس بررسی‌های انجام گرفته اخیراً دو مقاله نیز در جهت تقویت قول دوم و تضعیف قول اول تدوین شده است که عبارتند از:

• تأملی در هم پیوندی آیات در سوره قیامت، از عبدالهادی فقهی‌زاده در مجله مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۳، تابستان ۷۷، ص ۳۱-۴۲.

• مخاطب و زمان خطاب آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت و نقد نظریه نسیان‌پذیری وحی؛ حجة الاسلام فتح الله نجار زادگان؛ در فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۵، ص ۴۳-۶۱.

و اما در این مقاله قصد بر آن است که با نگاه تدبر محورانه (تدبر موضوعی و تدبر سیاقی) و با کمک گرفتن از نظرات مفسران به نقد و بررسی احتمال دوم برآمده و با استفاده از قرآن و روایات معصومین (ع) قول اول را تقویت کنیم.

۳- قول دوم

مخاطب آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت انسان (کافر) و زمان خطاب روز قیامت و هنگام دادن نامه عمل به دست انسان می‌باشد.

۳-۱- تبیین این قول

همانطور که گفته شد به نظر می‌رسد اولین بار این قول را ابوبکر قفال^۱ (د ۳۶۵ه) مطرح ساخته و به دنبال آن دیگر مفسران نیز به عنوان یک احتمال ذکر کرده و بدون اینکه آن را مورد نقد و بررسی قرار بدهند نقل کرده‌اند.

فخر رازی در تفسیر خود از قول ابوبکر قفال چنین آورده است: «آیه «لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ» خطاب به پیامبر خدا نیست. بلکه خطاب به انسانی است که در آیه ۱۳ همین سوره فرموده است: «يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ» از وی یاد کرده است. وقتی این انسان به زشتی‌های رفتارش آگاه می‌شود چون نامه عملش را بر وی عرضه می‌کنند و به او گفته می‌شود: «أَفْرَأَ كَتَبَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» (الاسراء، ۱۴) پس در این هنگام که شروع به خواندن نامه عمل می‌کند زبانش از شدت ترس و سرعت خواندن به لکنت می‌افتد پس به وی خطاب می‌شود «لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ» بلکه بر ماست اعمال تو را گرد آوریم و بر تو آنها را بخوانیم. پس چون آنها را خواندیم از آن پیروی کن به اینکه اقرار کنی تو چنین کارهایی را انجام داده‌ای. پس «ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيِّنَاتَهُ». بنابراین حاصل تفسیر این آیات که خداوند متعال برای کافر تمام اعمالش را به

۱. محمد بن علی بن اسماعیل ابوبکر الشاشی فقیه شافعی معروف به «قفال» فقیه، محدث، مفسر و ادیب ماوراء النهر است. (نک: سیوطی، طبقات المفسرین، ۹۵-۹۶) فخر رازی از وی در تفسیر کبیر و اسرار التنزیل زیاد یاد می‌کند.

تفصیل می‌خواند، چون در این اخبار از اعلان اعمال برای آنان تهدید جدی در دنیا و هراس شدید در آخرت خواهد بود. آنگاه قفال می‌گوید: «این وجه نیکویی برای تفسیر این آیات است و دلیلی بر بطلان آن نیست جز آنکه روایتی در این باره نرسیده است» (فخر رازی، ۷۲۸/۳۰).

محمد بن الفضل البلخی^۱ نیز به همین قول گرایش دارد و آن را با تقریر روشنتری بیان کرده است. شیخ طوسی در تبیان (طوسی، ۱۹۶/۱۰) به اجمال و شیخ طبرسی (طبرسی، ۶۰۰/۱۰) به تفصیل قول بلخی را آورده است.

در این وجه تفسیری، آیات مذکور اساساً راجع به قرآن و عجله پیامبر(ص) سخن نمی‌گویند، بلکه به روشنی درصدد ترسیم تصویری از قرائت نامه اعمال کافران در روز قیامت است. این تفسیر، با نمایش صحنه‌ای سخت تکان دهنده از دلهره و اندوه کافران در هنگام قرائت نامه اعمالشان، آهنگ سوره را به خوبی یکنواخت و یک دست جلوه داده، هرگونه قطع و انفضالی را که لازمه پای‌بندی به نظر مشهور است از دامان سوره قیامت می‌زداید». (فقهی‌زاده، ۳۵-۳۹)

۲-۲- نقد قول دوم

اینک پس از تبیین این دیدگاه به نقد آن می‌کوشیم. در این نقد همان گونه که گفته شد براساس نگاه تدبیر محور، آیاتی را که در زمینه نامه اعمال هستند مورد بررسی قرار داده و آنگاه به تدبیر سیاقی در آیات سوره قیامت و بقیه آیات مرتبط می‌پردازیم. البته در این میان به چند حدیث رسیده از معصومین(ع) نیز نگاهی خواهیم افکند.

۳-۲-۱- آیات قرآن کریم

۳-۲-۱-۱- آیاتی با واژه کتاب (نامه عمل)

با توجه به اینکه برای فهم آیات قرآن ابتدا باید از تدبیر در خود قرآن کمک گرفت به سراغ آیاتی که درباره نامه اعمال انسانها سخن گفته می‌رویم تا بنگریم آن آیات این قول را تأیید می‌کند یا آن را رد می‌نماید. اجازه دهید آیات متعددی را که درباره نامه عمل

۱. ابوبکر محمد بن الفضل البلخی مؤلف کتاب التفسیر الکبیر است.

به صورت کلی در هر سه صورت (کلی، امت، شخصی) است به ترتیب چینش در قرآن مورد بررسی قرار دهیم.

۳-۲-۱-۱- آیات ۱۲ و ۱۳ سوره الاسراء

«وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا أَفْرَأَ كِتَابِكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا»

این آیه درباره نامه عمل انسان است که در روز قیامت به او داده می‌شود و معنای آن کاملاً روشن و واضح است و خصوصاً خطاب «أَفْرَأَ كِتَابِكَ» یعنی خودت نامه عملت را بخوان و خودت به تنهایی برای حسابرسی کافی هستی. اگر انسان نتواند بخواند یا به لکنت بیفتد و قرار باشد برای او خوانده و آنگاه بیان شود دیگر جمله «أَفْرَأَ كِتَابِكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

۳-۲-۱-۲- آیه ۷۱ سوره الاسراء

«يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا»

در این آیه از قرائت و خواندن کارنامه عمل به روشنی سخن گفته شده است و البته در این آیه از اصحاب یمین یا کسانی که نامه عمل دست راستشان داده می‌شود نام برده شده و اینکه آنان نامه عمل خود را می‌خوانند و از کسانی که نامه عمل به دست چپشان داده شده است سخنی به میان نیامده است. اما همانگونه که برخی از مفسرین گفته‌اند نه اینکه اصحاب شمال قرائت نکنند. بلکه در مقابل قرائت اصحاب یمین که با سرور و شادی و چندین بار آن را می‌خوانند خواندن به حساب نمی‌آید. نه اینکه آنها بر نامه اعمال آگاهی پیدا نمی‌کنند. نه آنها می‌خوانند و آگاهی پیدا می‌کنند ولی با حالت خجالت و سرشکستگی.

و اما احتمال دیگری که مطرح است اینکه از آنجا که در ابتدای آیه فرموده است «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» و از گروه‌های انسانی سخن رفته است که به همراه پیشوایان خود فراخوانده می‌شوند. انسان‌های مؤمن و اصحاب یمین بعد از گرفتن کارنامه‌های درخشان اعمال خود آن را به صورت گروهی و با یکدیگر می‌خوانند و به این

وسيله شادی خود را با یکدیگر تقسیم می‌کنند و البته باز مسلم است که اصحاب شمال چنین برخوردی با نامه عمل خود نخواهند کرد. می‌توان این احتمال را با آیه ۱۹ الحاقه نیز تقویت کرد. «و در اینکه اول ضمیر مفرد آورد: «فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ» سپس ضمیر جمع «فَأُولَئِكَ يَفْرَوْنَ كِتَابَهُمْ» اشاره است به این مطلب که هر کسی از اصحاب یمین نامه خود را به تنهایی می‌گیرد سپس آنها در کنار هم جمع می‌شوند و هر کسی هم کتاب خودش را می‌خواند و هم کتاب دیگری را. اما اصحاب شمال هر یک به خاطر سنگینی مصیبتی که به آن گرفتارند سر در گریبان خویش دارند و با یکدیگر جمع نمی‌شوند». (خطیب عبدالکریم، ۵۲۷/۷-۵۲۸)

پس چون نوع خواندن نامه عمل اصحاب شمال شباهتی از نظر سرور و شادی و دسته جمعی بودن به خواندن اصحاب یمین ندارد به همین دلیل گویا اصلاً قرائتی در کار نیست. نه اینکه نخوانند یا با لکنت به تعجیل بیفتند بعد خطاب آید که زبان را حرکت مده خواندن و بیان آن برعهده ماست.

۳-۲-۱-۱-۳- آیه ۴۹ سوره الکهف

«وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظُنُّمْ رَبُّكَ أَحَدًا»

این آیه نیز مفهومی کاملاً روشن و آشکار دارد. اگرچه این آیه نامه عمل را در مفهوم کلی خود یعنی نامه عملی که مربوط به همه انسان‌ها است مورد اشاره قرار داده است ولی چنان اعمال هر فرد در آن روشن و در معرض دید آن شخص قرار می‌گیرد که مجرمان با دیدن آن اعمال بر خود می‌ترسند و بانگ برمی‌آورند که ای وای بر ما این چه نامه عملی است که هیچ کار کوچک و بزرگی را فروگذار نکرده است جز اینکه آن را به حساب آورده است. و سپس خداوند تعالی می‌فرماید: آنچه انجام داده‌اند را حاضر می‌یابند. این قسمت بسیار واضح است یعنی تمام اعمالی که انسان‌ها انجام داده‌اند جلو چشم آنها واضح و آشکار است و گویا دیگر نیازی به خواندن پرونده اعمال با زبان نیست. و مطلب پایانی این آیه با آیه ۷۱ سوره اسراء کاملاً هماهنگ است گرچه در آن آیه اصحاب یمین مورد اشاره بودند و اینجا مجرمین یا همان اصحاب شمال، و آن اینکه

آنجا فرمود «لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا» و اینجا می‌فرماید «وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» یعنی هیچ ظلمی درباره هیچ کسی و به هر اندازه صورت نمی‌گیرد و چرا چنین نباشد وقتی خود اعمال حاضر می‌شوند و خود اعمال پاداش یا کیفر انسان می‌شوند.

۳-۲-۱-۲- آیاتی دیگر از قرآن کریم

در قسمت قبلی به مطالعه آیاتی پرداخته شد که واژه کتاب (نامه عمل) در آنها به کار رفته و به موضوع مورد بحث یعنی قرائت نامه عمل مربوط می‌شد؛ در این قسمت آیاتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت که واژه «کتاب» در آنها به کار نرفته است و لی به همان موضوع و آگاهی انسان از اعمال خود در روز قیامت اشاره دارد.

۳-۲-۱-۲- آیه ۳۰ سوره آل عمران

«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ»

در تفسیر نمونه: «آری گناهکاران و نیکوکاران همگی اعمال خود را در آن روز حاضر می‌بینند، با این تفاوت که نیکوکاران از مشاهده اعمال خویش خوشحال و مسرور می‌شوند و بدکاران از مشاهده اعمال خود چنان در وحشت فرو می‌روند که آرزو می‌کنند از آن فاصله بگیرند. این آیه به روشنی می‌گوید که انسان در روز رستاخیز، خود عمل را می‌یابد و در ذیل آیه می‌خوانیم گناهکار آرزو دارد که بین او و عمل زشتی که انجام داده جدایی بیفتد» (مکارم شیرازی، ۵۰۵/۲-۵۰۶)

باید اذعان کرد که وقتی اعمال هر فردی چه نیکوکار و چه بدکار به صورت روشن و آشکار در معرض دید او قرار می‌گیرد دیگر نیاز به خواندن آنها با زبان نیست، همین دیدن و به یاد آوردن برای علم و آگاهی نسبت به آن کافی است نه اینکه در هنگام خواندن عجله کند و زبان او به لکنت افتد و آنگاه خطابی از جانب خداوند آید که زبانت را حرکت مده، خواندن و بیان پرونده عمل تو بر عهده ماست .

۳-۲-۱-۲- آیه ۴۷ سوره الانبیاء

«وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ»

این آیه نیز به زیبایی همچون آیات ۸-۷ سوره زلزال بیان می‌دارد که عمل هر فردی را چه بزرگ و چه کوچک حتی به اندازه دانه یک خردل نزد او می‌آورند و شخص خود عمل را می‌بیند. و البته همه این اعمال وقتی است که انسان به پرونده عمل خود یا پرونده عمل کلی همه انسان‌ها می‌نگرد و دیگر جای هیچگونه کتمان نیست.

۳-۲-۱-۲-۳- آیه ۶ سوره المجادله

«يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَتَسَوَّاهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»

بانوی اصفهانی در تفسیر مخزن العرفان این آیه را چنین تفسیر کرده است: «ایزد متعال در این مبارک آیه خبر می‌دهد... هر کسی آنچه کرده از گفتار و کردار و اعمال نیک یا شرّ تماماً نزد وی حاضر میگردد پس از آنکه فراموش نموده بطوروی که صفحه اعمال خود را به عیان مشاهده می‌نماید و گوید «ما لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا» (بانوی اصفهانی، ۱۸۱/۱۲) در این آیه از خبر دادن و برشمردن سخن گفته شده است در هنگامی که آن را فراموش کرده‌اند و نه آنگاه که قادر بر تلفظ نباشند.

۳-۲-۱-۲-۴- آیه ۱۳ سوره القيامة

«يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ»

در این آیه نیز خداوند حکیم بیان فرموده است که در روز قیامت انسان از آنچه که پیش فرستاده و از آنچه بعد از مرگ به پرونده عمل او رسیده است خبر دار می‌شود و در آیه بعد اشاره می‌کند اگرچه انسان بر خودش آگاه است. بله، انسان به خود و کردار خود بصیر است اگرچه عذر و بهانه آورد و انکار کند نه اینکه در خواندن دچار مشکل و لکنت شود و در تلفظ تعجیل ورزد. درباره این آیه در قسمت سیاق سوره قیامت دوباره سخن خواهیم گفت.

۳-۲-۱-۲-۵- آیه ۱۴ سوره التکویر

«عَلِمْتَ نَفْسًا مَا أَحْضَرْتَ»

این آیه نیز چون آیه قبل از علم و آگاهی سخن می‌گوید. هر انسانی بر آنچه برای قیامت خود حاضر کرده است آگاه می‌شود. (نک: آلوسی، ۲۶۰/۱۵-۲۶۱)

۳-۲-۱-۲-۶- آیات ۷ و ۸ سوره الزلزال

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»

این آیه نیز مطلب را به روشنی و آشکارا بیان می‌کند که در روز قیامت انسان هر عملی را که انجام داده است به روشنی می‌بیند چه نیک و چه بد. و گویا قرائت نامه عمل یعنی همین دیدن و دیگر نیازی نیست انسان به لکت گرفتار شود. البته خجالت و شرم و سر به زیر افتادن، حق و سزای هر انسان بدکاری است.

پس از بررسی آیات اگر یکبار دیگر به شش آیه بالا و افعال: «تجد - محضراً»، «اتینا به»، «فینبئهم»، «ینبأ» و «یره» و همچنین «یتذکر» در «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى، يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى» (النازعات، ۳۴-۳۵)، «عَلِمْتَ» در «وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ، عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ» (الانفطار، ۴-۵)، «بَارِزُونَ» در «لَيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ، يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ» (غافر، ۱۵-۱۶)، «فَكَشَفْنَا عَنْكَ - بَصْرَكَ حَدِيدًا» در «لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (ق، ۲۲)، نظری بیفکنیم و این افعال و کلمات را در کنار افعال آیات دسته اول قرار دهیم از جمله: «كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا»، «يَقْرَأُونَ كِتَابَهُمْ»، «فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ»، «يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ» نامه عمل گشوده است، مجرمین داخل آن را می‌بینند و خود به روشنی بیان کننده آنچه در درون آن است به خوبی این جملات بیان کننده معنای قرائت و خواندن نامه عمل است. یعنی در آن روز چه انسان نیکوکار و چه انسان بدکار به محض دریافت نامه عمل و یا حتی قبل از آن با دیدن کتاب کلی و همگانی انسان‌ها اعمال خود را حاضر و آشکارا می‌بینند. و با توجه به اینها نمی‌توان آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت را به قرائت نامه عمل تفسیر کرد. چرا که حداقل همان گونه که در این آیات بسیاری افعال شبیه یکدیگر به کار رفته است باید یک مورد شبیه فعل قرائت و تبیین از جانب خداوند می‌آمد. والله اعلم.

۳-۲-۲- روایت

«عن خالد بن نجیح عن ابی عبدالله (ع) فی قوله «أَقْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» قال یذکر العبد جمیع ما عمل و ما کُتِبَ علیه حتی کانه فعله تلک

الساعة فلذلك قالوا: «يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَنَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا»^۱ (عیاشی، ۲۸۴/۲-۳۲۸؛ مجلسی، ۳۱۴/۷-۳۱۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۴/۳؛ طبرسی، ۶۲۲/۶؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۸۲/۳؛ طباطبایی، ۷۱/۱۳)

در تفسیر عیاشی از قول خالد بن یحیی نجیح از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که درباره فرموده خداوند «نامه عملت را بخوان خودت به تنهایی برای حسابرسی کافی هستی» فرمود: بنده تمام آنچه انجام داده است و آنچه بر علیه او نوشته شده را به یاد می‌آورد تا اینکه گویا در همان لحظه آن را انجام داده است. پس بدین خاطر انسان مجرم می‌گوید: ای وای بر ما این نامه هیچ عمل کوچک و بزرگی را فروگذار نکرده است جز آنکه آن را آورده است.

و البته این حدیث به گونه‌ای دیگر نیز نقل شده است: «عن خالد بن نجیح عن ابي عبدالله، قال: اذا كان يوم القيامة دُفِعَ الى الانسان كتابه ثم قيل له اقرأ، قلت فيعرف ما فيه؟ فقال: ان الله يُذَكِّرُهُ فما من لحظة ولا كلمة ولا نقل قدم ولا شيء فعله الا ذكره كانه فعَلَهُ تلك الساعة فلذلك قالوا: «يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَنَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا» (عیاشی، ۳۲۸/۲؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۲۴۶/۳؛ بحرانی، ۴۷۱/۲؛ مجلسی، ۳۱۵/۷؛ طباطبایی، ۳۳۵/۱۳)

در تفسیر عیاشی از خالد بن نجیح از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: هنگامی که روز قیامت شود نامه عمل انسان به او داده می‌شود سپس به او گفته می‌شود: بخوان. گفتم: آیا آنچه در آن است می‌شناسد؟ پس فرمود: خداوند آن را به یاد او می‌آورد، لذا هیچ چشم بر هم زدن و گام برداشتن و سخن و عملی نیست که به یاد نیاید چنان که گویا در همان لحظه انجام داده است. و برای همین می‌گویند: ای وای بر ما این چه کتابی است که هیچ کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته جز اینکه به حساب آورده است.

۳-۲-۳- سیاق آیات

۳-۲-۳-۱- سیاق آیات سوره قیامت

وقتی با دید تدبری به آیات سوره قیامت به صورت یک مجموعه نگریسته شود کاملاً روشن است که این چهار آیه یعنی آیات ۱۶-۱۹ سوره با بقیه آیات تفاوت دارد.

۱. (طبرسی می‌نویسد: روی جابر بن خالد بن نجیح عن ابن عبدالله (ع) و البته مختصر تفاوتی در عبارت نیز وجود دارد).

این سوره با سوگند به روز قیامت و نفس لواحه شروع می‌شود و آنگاه انکار انسان را که، برپایی روز قیامت و زنده شدن انسان پس از پوسیدن و از بین رفتن استخوان‌هایش را امر محالی می‌داند، بیان می‌کند و با اشاره به قدرت خداوند تعالی آن را امری ممکن می‌شمارد. و سپس علت انکار و عدم ایمان انسان را به قیامت مورد اشاره قرار می‌دهد و آنگاه از سؤال انسان‌ها درباره زمان قیامت و نشانه‌های برپایی آن سخن به میان می‌آید و چون در این سوره گویا قصد بر اختصار است تنها به دو یا سه نشانه اشاره می‌شود و آنگاه به گریزپایی انسان و اینکه می‌خواهد در آن روز گریزگاهی برای فرار خود بیابد و جواب خداوند که جز در پیشگاه خدا ایستادن هیچ چاره‌ای دیگری وجود ندارد. آنگاه به مسأله آگاه کردن انسان از نامه عمل، چه اعمالی که پیش از مرگ فرستاده است چه آثار اعمالی که پس از مرگ به پرونده او وارد شده است اشاره می‌کند و اعلام می‌دارد که انسان از اعمالش آگاه می‌شود اگرچه خودش بر نفس خود بینا و آگاه هست و فقط دنبال عذر و بهانه است. آنگاه در آیات شانزدهم تا نوزدهم طرف خطاب که تا اینجا غایب بود عوض می‌شود و انسانی مورد خطاب قرار می‌گیرد که: زبانت را حرکت مده و در خواندن تعجیل مکن گردآوری و خواندن آن بر عهده ماست. هنگامی که آن را خواندیم تو تبعیت کن از قرائت و خواندنش، سپس ما برای تو بیان می‌کنیم. سپس گویا طرف خطاب آیات انسان‌های این جهان هستند و به آنها گفته می‌شود شما زندگی گذرای این جهان را دوست دارید و جهان آخرت را وامی‌گذارید. دوباره آیات درباره قیامت و اینکه انسان‌ها در آن روز دو دسته‌اند گروهی چهره‌های شاد و برافروخته دارند و گروهی چهره‌های غمگین و گرد و غبار گرفته و باز گویا تصویری از آخرین لحظات حیات این جهانی انسان و زمانی که جان خود را به فرشته مأمور تحویل می‌دهد را از جلو دید انسان می‌گذرانند. و در پایان سوره نیز دوباره قدرت خداوند قادر متعال به رخ انسان کشیده می‌شود که همان خدایی که قادر بود انسان را از منی بیافریند قادر است دوباره او را زنده کند.

تغییر خطاب در این سوره بسیار زیاد صورت می‌گیرد و همچنین زمان این تغییر خطاب‌ها، مثلاً ابتدا گمان انسان را در این دنیا مبنی بر اینکه قیامت وجود ندارد و یا آنجا که انسان‌های این جهان را خطاب می‌کند که شما زندگی زودگذر این جهان را دوست می‌دارید و زندگی پایدار اخروی را فرو می‌گذارید. یا هنگامی

که از مردن و جان دادن انسان سخن می‌گوید و یا آنجا که از عدم تصدیق، تکذیب و رویگردانی انسان در این دنیا سخن می‌گوید و آنگاه او را مورد نفرین خود قرار می‌دهد که اولی لک فاولی.... و در پایان نیز همان‌گونه که ابتدای سوره فرموده بود آیا انسان می‌پندارد؟ دوباره همین سخن را تکرار می‌کند با این تفاوت که در ابتدا قدرت خدای متعال را به رخ این انسان می‌کشد و در پایان حکمت او را همراه قدرتش؛ همه اینها نشان دهنده این است که هیچ اشکالی وجود ندارد اگر ما زمان آیات شانزدهم تا نوزدهم را قیامت و مخاطب آن را انسان کافری که پرونده اعمالش را در دست دارد ندانیم.

به همین مناسبت اگر آیات «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ، إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ، فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ، ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ» را از میان آیات پانزدهم و بیستم برداریم هیچ خلل معنایی به آیات سوره قیامت نمی‌خورد. چرا که پس از اشاره به حوادث وقوع قیامت و انگیزه انسان برای فرار از آن محشر و اینکه گریزگاهی وجود ندارد و انسان از پرونده اعمالش آگاه می‌شود هرچند که انسان در درون خود آگاهی دارد و دنبال عذر و بهانه است ناگهان حرف ردع «کلا» در مقابل انسان قرار می‌گیرد که هیچ عذر و بهانه‌ای پذیرفته نیست و تو امروز به جای عذر و بهانه باید در دنیا به فکر آخرت خود می‌بودی و دنیای گذرا را سرمایه‌ای برای زندگی اخروی خود قرار می‌دادی. و وقتی که انسان را متوجه این مطلب کرد و پس از آگاهی از پرونده و عملش، حال انسان‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند گروهی چهره بر افروخته و گروهی نیز غبار غم و غصه بر چهره.

پس با این تفصیل کاملاً بجاست اگر نظر کسانی را بپذیریم که آیات مورد بحث یعنی ۱۶-۱۹ را جملات معترضه‌ای می‌دانند که در مابین آیات قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر در سوره‌ای کوتاه همچون سوره قیامت که موضوعات مورد اشاره بسیار گذرا و سریع است چه ضرورت و لزومی وجود دارد که پس از اینکه در آیه ۱۳ به موضوع پرونده عمل و آگاهی انسان از این پرونده اشاره شد دوباره بعد از آیه ۲ به موضوع قبلی برگردد و به صورت ریز و جزئی مسأله قرائت نامه عمل را توسط انسان کافر به صورت مفصل مورد توجه قرار دهد با اینکه در چنین سوره‌هایی بنابر اشاره گذرا است.

۲-۳-۲- آیات دیگر قرآن درباره قیامت

وقتی آیات قرآن مجید را که درباره قیامت و حوادث و مراحل آن سخن گفته است مورد بررسی قرار می‌دهیم و به این نتیجه می‌رسیم که:

الف) هر کجا خداوند در آخرت انسان‌ها را مورد خطاب قرار داده است به صورت جمع است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم. (النبا، ۳۰) «فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا»؛ (المرسلات، ۲۹-۳۰) «انطلقوا الى ما كنتم به تكذبون، انطلقوا الى ظل ذي ثلاث شعب»؛ (المرسلات، ۳۸) «هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَىٰ»؛ (المرسلات، ۴۳) «كلوا و اشربوا هينئاً بما كنتم تعملون»؛ (الانسان، ۲۲) «نَ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيِكُمْ مَشْكُورًا»؛ (الواقعة، ۷) «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً»؛ (الواقعة، ۵۱) «ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَاءُ الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ»؛ (الطور، ۱۶) «اصْلَوْهَا فاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا إِنْ مَّا تُجِزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ (الطور، ۱۹) «كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ (الجاثية، ۲۹) «هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ (الزمر، ۷۱) «وَقَالَ لَهُمْ خِرْنَتَهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا». در این آیات که درباره مواقف و مراحل مختلف قیامت است و به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند انسان‌ها به صورت جمع مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

ب) آیاتی که موضوع یا زمان آنها قیامت و حوادث آن روز است و خطاب به صورت مفرد است و طرف خطاب شخص پیامبر اکرم (ص) است نیز تعدادشان مورد توجه است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود. (الزلزلة، ۵) «بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا»؛ (البلد، ۱۲) «وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ»؛ (الفجر، ۲۲) «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا»؛ (المطففين، ۸) «وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِّينٌ»؛ (المطففين، ۱۸) «وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ»؛ (النازعات، ۴۱-۴۵) «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا إِنْ مَّا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَخْشَاهَا»؛ (النبا، ۳۶) «جَزَاءً مِّنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا»؛ (الانفطار، ۱۸-۱۷) «وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ»؛ (المرسلات، ۱۴) «وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ»؛ (الانسان، ۲۰) «وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمَلَكًا كَبِيرًا»؛ (الحاقة، ۱۷) «وَالْمَلَكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ»؛ (النجم، ۴۲) «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ». در این موارد خطاب مفرد و شخص رسول گرامی اسلام (ص) است.

با توجه به این دو دسته آیات می‌توان درباره آیات سوره قیامت چنین نظر داد که آیات ۱۲ و ۳۰ که می‌فرماید «إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ...» و در مورد روز قیامت است ضمیر «ک» به پیامبر اکرم (ص) مربوط می‌شود. علامه طباطبایی می‌نویسد: «قوله تعالى: «إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ» الخطاب للنبي ص» (طباطبایی، ۱۰۵/۲۰) در بین این دو خطاب وقتی آیات ۱۶-۱۹ نیز با خطاب مفرد آمده است پس باید مورد خطاب شخص رسول خدا باشد نه انسان گناهکار. چرا که طبق آیاتی که در دسته اول آمد اگر خطاب به انسان گناهکار بود باید به صورت جمع می‌آمد همانگونه که در آیات ۲۰ و ۲۱ به صورت جمع آمده است.

و اما درباره آیات ۳۴ و ۳۵ «أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ، ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ» که به صورت مخاطب مفرد آمده است، همانگونه که بسیاری از مفسران از جمله شیخ طوسی در تبیان (۲۰۲/۱۰)، شیخ طبرسی در مجمع البیان (۶۰۶/۱۰) و فخر رازی در مفاتیح الغیب اشاره کرده‌اند باید گفت این آیات دارای سبب نزول خاص بوده و شخص خاصی (ابوجهل) مدنظر است و زمان خطاب نیز همین دنیا است و نه آخرت.

۳-۲-۴- چند سوال

سؤالاتی که مطرح می‌شود این است که به فرض که انسان گناهکار در خواندن دچار مشکل می‌شود و نامه عمل او باید خوانده شود تبعیت از آن خواندن چگونه است؟ یعنی دوباره او بخواند؟ یا منظور از تبعیت چیز دیگری است؟ سؤال بعدی این است که بیان این نامه عمل چگونه است؟ در صحنه قیامت که همه چیز آشکار و عیان است بیان اعمالی که در پرونده عمل است چگونه است؟

این سؤالات و سؤالات دیگری که به ذهن می‌آید و جوابی به آنها داده نشده است و همچنین مطالبی که در قسمت‌های قبلی گفته شد پذیرش این نظریه را به صورت جدی دچار اشکال می‌کند. و الله العالم.

۳-۳- قول اول: مخاطب پیامبر اکرم (ص) و زمان آن این دنیا است

همانگونه که در ابتدا گفتیم بسیاری از مفسران معتقدند که آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت به صورت جملات معترضه در بین سوره و مباحث مربوط به قیامت وارد شده است و طرف خطاب آن رسول اکرم (ص) و در هنگام نزول وحی است.

طرفداران و معتقدان این دیدگاه نیز برای نظر خود دلایلی ذکر می‌کنند که عبارتند از روایات و سیاق.

۳-۳-۱- روایات

این دیدگاه مستند به روایتی است که از ابن عباس نقل شده است: «كان النبيُّ إذا نزل عليه جبرئيلُ بالوحي كان يحرك لسانه و شفثيه عليه فكان يعرف ذلك فيه فانزلَ هذه الآية في «لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ» «لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ» (طبری، ۱۱۷/۲۹؛ طباطبایی، ۱۱۶/۲) و در روایتی دیگر که سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده، شبیه همین مضمون آمده است: «كان رسول الله يشثدُّ عليه حفظ التنزيل و كان اذا نزل عليه الوحي يحرك لسانه و شفثيه قبل فراغ جبرئيلَ مخافةً أن لا يحفظ فانزل تعالی: «لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ». (فخر رازی، ۷۲۸/۳۰) مشابه این مضمون را همچنین در ضمن روایاتی از کتاب صحیح بخاری نیز می‌توان ملاحظه کرد.

شیخ طوسی در تفسیر تبیان آورده است که: «قال ابن عباس و سعید بن جبیر و الضحاک: كان النبي صلی الله علیه و آله اذا نزل علیه القرآن عجل بتحريك لسانه لحبه اياه، فنهاه الله عن ذلك» (طوسی، ۱۹۵/۱۰-۱۹۶) باید اشاره کرد که با توجه به اینکه روایاتی برای نظریه و دیدگاه دوم وجود ندارد که معارض این روایت قرار گیرد، این روایت تقویت‌کننده خوبی برای دیدگاه اول است.

۳-۳-۲- سیاق

همانگونه که ما نیز در قسمت ۳-۲-۳ با استفاده از تدبر در سیاق آیات سوره قیامت ثابت کردیم که نمی‌توان آیات ۱۶ تا ۱۹ را با قول دوم هماهنگ دانست و بنابر این قول اول (پیامبر مخاطب است و زمان خطاب نیز این دنیاست) تقویت و اثبات می‌شود، بسیاری از مفسران نیز بر اساس استناد به سیاق سوره معتقدند که آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت جمله‌های معترضه هستند و مخاطب آنها نبی اکرم اسلام (ص) است و در مورد نزول وحی است.

علامه طباطبایی در این زمینه نوشته‌اند: آن چه که از سیاق آیات چهارگانه استفاده می‌شود با توجه به آیات قبل و بعد آنها که این آیات را در بر گرفته و از اوصاف قیامت سخن می‌گوید آیات مذکور معترضه‌اند. (طباطبایی ۱۰۹/۲۰)

سید قطب نیز در تفسیر «فی ظلال القرآن» به معترضه بودن آیات معتقد است: «و فی ثنایا السورة و حقائقها تلك و مشاهدتها تعترض اربع آیات تحتوی توجیها خاصا للرسول(ص) و تعلیما له فی شأن تلقی هذا القرآن» (سید قطب، ۳۷۶۸/۶)

۳-۳-۳- آیه ۱۱۴ سوره طه

«وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ»

مفسرانی که به این دیدگاه توجه بیشتری نشان داده‌اند برای تأیید نظر خود غالباً به آیه مذکور تمسک کرده‌اند و آن را از نظر موضوع و حکم با آیات چهارگانه سوره قیامت یکسان می‌دانند.

دلایلی که برای تأیید این دیدگاه به کار گرفته شده‌اند به نظر می‌رسد که دلایل خوب و قابل قبولی باشد. اما برخی از محققان در مورد این آیه و آیات چهارگانه مورد بحث اشکالی مطرح کرده‌اند که این آیات با آیه ۶ سوره اعلی در تعارض قرار می‌گیرد. چراکه براساس نظر بسیاری از مفسران رمز تکرار آیات توسط پیامبر(ص) هنگام نزول وحی ترس از نسیان و فراموشی توسط آن حضرت بوده است. و این مطلب با توجه به اینکه در سوره اعلی که از نظر ترتیب نزول نیز قبل از سوره قیامت و طه نازل شده است و به پیامبر اطمینان داده است که «ما بر تو وحی را می‌خوانیم پس تو آن را فراموش نمی‌کنی» نمی‌تواند حرف درستی باشد. (نک: نجارزادگان، ۵۱)

در نگاه اولیه به آیات ۶ سوره اعلی، ۱۶-۱۹ قیامت و ۱۱۴ سوره طه که در موضوع واحدی به نظر می‌رسند این اشکال جدی به نظر می‌رسد. چراکه آیات سوره قیامت و آیه سوره طه به هر حال با آیه ۶ سوره اعلی تعارض دارد. هنگامی که خداوند در آیه ۶ سوره اعلی به پیامبر خود تضمین قطعی می‌دهد چرا پیامبر دوباره آیات را تکرار می‌کند تا اینکه بار دیگر مورد خطاب خداوند قرار گیرد که در قرائت وحی قبل از اتمام آن تعجیل نداشته باشد. علامه طباطبایی برای رفع این اشکال و تعارض رمز تکرار را محبت رسول اسلام(ص) به وحی می‌دانستند و نه ترس از فراموشی که باعث نزول آیات سوره قیامت و سوره طه شود.

اما از سوی دیگر می‌توان در جواب این اشکال گفت همانگونه در قرآن موارد دیگری نیز وجود دارد که چندین بار به خود پیامبر اکرم(ص) امر یا نهی صورت گرفته باشد به

طور نمونه خداوند در موضوع رنج پیامبر در ابلاغ وحی و حرص بر هدایت انسان‌ها حداقل در ۳ مورد او را مورد خطاب قرار داده است و فرموده است «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (طه، ۲) و همچنین در آیه «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (الشعراء، ۳) و در آیه ۸ سوره فاطر دوباره می‌فرماید: «فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ». همان گونه که در مورد رنج پیامبر و اشتیاق بیش از حد به هدایت انسان‌ها این آیات نازل شده است در مورد تکرار وحی نیز می‌تواند در ۲ مورد آیات نهی از تعجیل نازل شده باشد.

شاید گفته شود که در موضوع هدایت مصداق‌ها متفاوت هستند و به همین خاطر چندین بار پیامبر مورد خطاب قرار می‌گیرد خوب همین جواب در مورد آیات مورد بحث یعنی نهی از تکرار و تعجیل نیز می‌تواند به کار گرفته شود. شاید و یا حتماً مصداق‌های تکرار متفاوت بوده است که پیامبر دو مرتبه مورد نهی قرار گرفته‌اند. مثلاً یکبار به علت ترس از فراموشی و یک بار دیگر به علت حب و علاقه بیش از حد به وحی الهی پیامبر آیات را تکرار می‌فرمودند.

نتیجه گیری

دیدیم که دیدگاهی که آیات مورد بحث را درباره انسان کافر و هنگام خواندن نامه اعمالش می‌داند با تدبر در آیات قرآن و روایاتی که رسیده است مورد تأیید قرار نگرفت. چرا که مجموع آیه‌ای که درباره آگاهی انسان از نامه اعمالش و قرائت آن است آیات قابل توجهی است و به صورت مجموع بیان می‌دارد که انسان کافر در اولین مرحله که به نامه اعمال (حتی نامه اعمال کلی انسانها) می‌نگرد، اعمال خود را به صورت ریز و درشت در آن مشاهده می‌کند.

بهر حال این قول از چند نظر با کاستی‌های جدی مواجه است که عبارتند از:

الف) با مجموعه آیات قرآنی که درباره نامه عمل و تجسم اعمال است سازگاری ندارد.

ب) نه تنها هیچ روایتی در تأیید این نظریه وجود ندارد بلکه در مقابل آن نیز روایاتی وجود دارد.

ج) در هیچکدام از آیات قرآنی درباره قیامت خداوند کافران و مجرمان را به صورت مخاطب مفرد خطاب نکرده و همیشه خطابها به صورت جمع آمده است.

د) با سیاق آیات سوره قیامت و دیگر آیات در زمینه قیامت همخوانی ندارد.

ه) از نظر معنایی نیز قابل توجیه نیست. اگر به فرض جمع و قرائت را نیز در مورد نامه عمل بتوانیم بپذیریم تبعیت از این قرائت و بیان آن پذیرفتنی نیست. و قائلین این نظریه نیز توجیه معنایی مناسبی برای تبعیت و بیان عمل و نامه عمل ارائه نکرده‌اند.

ز) از طرف دیگر هیچ اشکال اساسی به پذیرش اینکه این آیات جمله معترضه و خطاب به پیامبر هست وجود ندارد.

و باید طبق نظر اکثریت مفسرین به دیدگاهی معتقد شد که این آیات خطاب به پیامبر اکرم(ص) و هنگام نزول وحی قرآنی است. و البته تعارض آن با آیه ۶ سوره اعلی بدین‌گونه قابل حل است که پیامبر نه به علت ترس از نسیان در قرائت، بلکه به خاطر علاقه و محبت زیاد در قرائت تعجیل داشتند.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، با ترجمه دکتر محمد مهدی فولادوند.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و...، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۴. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ش.
۵. بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق.
۶. بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، لباب التاویل فی معانی التنزیل، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۷. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و...، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۸. سید قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، دار الشروق، بیروت، قاهره، ۱۴۱۲ق.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق.

۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
۱۳. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۱۵. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۱۶. فقهی‌زاده، عبدالهادی، تأملی در هم پیوندی آیات در سوره قیامت، مجله مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۳، تابستان ۱۳۷۷.
۱۷. فیض کاشانی، محمد، تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۱۸. همو، نوادر الاخبار فیما يتعلق باصول الدین، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۹. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۲۰. گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۲۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۲۳. نجارزادگان، فتح الله، مخاطب و زمان خطاب آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت و نقد نظریه نسیان‌پذیری وحی، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۵.

